

جوانان سردرگم

جوانان مسلمان امروز در فضای تولد و بزرگ می‌شوند که نظام‌ها و افکاری که بالای شان مسلط شده با آنچه در عقاید و ارزش‌های شان است، در تضاد می‌باشد. این جوانان درست در زمانی زیست دارند که اسلام از فراز یک دولت ابرقدرت به دینی تقلیل یافته که به مسائل فردی و خصوصی می‌پردازد و کاری به سیاست و دولت‌داری ندارد. در برهه‌ی از تاریخ قرار داریم که جوانان مسلمان تصویری از تطبیق و حاکمیت اسلام ندارند، حتی تصویری دقیقی از تاریخ اسلام ندارند. آنچه به عنوان تاریخ اسلام به آنان تدریس شده، تاریخ تحریف شده‌ای بوده که تنها به روایت جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و خونریزی‌ها می‌پردازد. توگویی همه‌ای تاریخ اسلام جنگ و وحشت بوده است. حالآنکه چنین روایتی دقیق است و باعث تنفر مسلمان‌زاده‌ها از اسلام می‌گردد.

جوان مسلمان در عصری پا به حیات جوانی می‌گذارد که افکار و اندیشه‌های معاصر همه بر علیه اسلام و مسلمانان صف واحد تشکیل داده‌اند و تلاش دارند تا توسط اسالیب و وسایل مختلف مسلمانان را از اسلام دور نموده و به طرف افکار و عقاید خود شان بکشانند. دموکرات‌ها، سرمایه‌دارها، کمونیست‌ها، سیکولرها، نژادپرست‌ها همه صف کشیده‌اند تا جوان مسلمان را شکار اندیشه‌های کثیف شان نمایند. آن‌ها می‌خواهند در کنار این که پیروان شان را حفظ کنند در تلاش این نیز هستند تا سایر مردم را نیز جذب ایدئولوژی و فکر شان بسازند. جوان مسلمان که در چنین فضای عرض وجود می‌کند، چه سپری دارد تا از خود در برابر چنین اندیشه‌های مخرب و گمراه‌کننده محافظت کند؟ هیچ سپری!

این بدین معنا است که از آوان طفولیت فرزندان مسلمان در معرض افکار غیر اسلامی قرار می‌گیرند و به هر اندازه‌ی که جوان‌تر می‌گردند بیشتر در خطر ذوب شدن به اندیشه‌های غیراسلامی قرار می‌گیرند. از محیط مکتب تا پوهنتون و کورس، از برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و صفحات مشخص فیسبوکی همه و همه افکاری را به خورد جوانان مسلمان می‌دهند که آنان را از ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی شان دور سازند.

مشکل دیگر این است که در عصری حاکمیت اندیشه‌های بحران‌زای غربی هدف زندگی سعادت، پیشرفت و منفعت تعریف گردیده است. جست‌وجوی محض این اهداف در زندگی با مفاهیم و ارزش‌های اسلامی در تقابل شدید قرار دارد. از این‌رو هدف زندگی بیشتر جوانان مسلمانان با تاثیرپذیری از این فضا به جای این‌که کسب رضایت الله سبحانه و تعالی و حاکمیت اسلام باشد، برعکس کسب منفعت، تحصیلات عالی برای یافتن وظیفه خوب، دست‌یابی به پیشرفت و امکانات مادی و تلاش برای گرفتن مقام‌ها و وظایف محور زندگی شان قرار گرفته است.

جوانان مسلمانان در عصر بسر می‌برند که هتاک‌ی و توهین به افکار و مقدسات اسلامی به نماد روشنفکری مبدل شده است. توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی همه روزه مقدسات اسلامی مورد حمله قرار گرفته و افکار و اذهان جوانان توسط این شبکه‌ها در معرض بمباران فکری و سیاسی غرب‌پرستان قرار می‌گیرند. این شبکه‌ها یک وسیله‌ی بسیار مهم برای پخش افکار دموکراتیک پنداشته می‌شوند. آن‌ها بدون کدام هراس ارزش‌های اسلامی را زیر سوال انداخته، مقدسات اسلام را توهین می‌کنند و اسلام‌گرایان را تهمت زده و تحقیر می‌کنند، هیچ می‌کانونی نیز موجود نیست که از آن جلوگیری صورت گیرد. آنان این کار شان را تحت نام "آزادی بیان" توجیه می‌کنند، ولی صدای مسلمان‌ها را تحت عنوان افراط‌گرایی در گلو خفه می‌سازند.

همچنان بخش اعظم سردرگمی جوانان به گردن پدر، مادر، بزرگان خانواده و امامان مساجد نیز است. آنان در جواب دادن به اساسی‌ترین سوال‌های یک طفل غفلت می‌کنند و با جواب دادن سطحی و خشن از سوال‌های طفل می‌گذرند. همواره به یک طفل گفته می‌شود که ما باید به خدا ایمان داشته باشیم. یک خدا وجود دارد. پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم است. ما در

ملت ابراهیم خلیل الله هستیم. در مذهب فلان امام هستیم و ... اما سوال‌های بزرگ طفل که: «چرا خلق شده‌ام؟ هدف زندگی‌ام چه است؟ مسئولیت و مکلفیت‌ام در دنیا چیست؟ به کجا می‌روم؟» لاینحل می‌ماند و کسی به پاسخ آن نمی‌پردازد و طوری برای شان تفهیم می‌گردد که نباید این سوال‌ها را کرد. حالآنکه این واقعیت باعث ضعف در اعتقاد کودک شده و باعث می‌شود وقتی طفل پا به عرصه جوانی بگذارد و در محیط‌های قرار بگیرد که عقایدش زیر سوال برود و ارزش‌هایش مورد تهدید واقع شود بدلیل این‌که جوابات مستحکمی پیدا ننموده احساس ضعف نموده و به سادگی مورد شکار سیکولرها قرار می‌گیرد.

پس تا زمانی‌که نظام سیاسی یک جامعه در نزدیکی کامل با عقاید همان مردم قرار نگیرد، جوانان سردرگم باقی می‌مانند. تا زمانی‌که والدین احساس مسئولیت نکنند و به صورت درست و عقلی عقیده اسلامی را به اطفال شان یاد ندهند، جوانان در مسیر زندگی به سادگی مورد شکار قرار می‌گیرند. زمانی‌که سیستم تعلیمی و تحصیلی در مطابقت به اسلام قرار نگیرد، توقع بیار آمدن جوانان آگاه و هدفمند که هم و غم شان اسلام باشد از بطن سیستم تعلیمی و تحصیلی سیکولر خواب و خیالی بیش نیست. همه‌ای این مشکلات تا زمانی‌که دولت اسلامی تأسیس نشود و اسلام را در بُعد فردی و در بُعد سیاسی، اجتماعی، تعلیمی، اقتصادی و سیاست خارجی تطبیق نکند، پابرجا می‌ماند. پس لازم است تا جوانان مسلمان عقب اهداف و اندیشه‌های پوچ را رها نموده و تلاش و انرژی شان را برای احیای دولت اسلامی بسیج نمایند، تا نه تنها جوانان مسلمان، بلکه جوانان جهان نیز از سردرگمی نجات یابند.

مصدق سهاک

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان